علت نوشته شدن «سراط» با « ص» در مصحف عثمان

جالب در «صراط» و هم در این «س»ها این است که ابن جزری و مکی بن ابیطالب و سائرین از قدیم گفته اند: وقتی ان‌اسخ‌ـعثمان می‌نوشت گفتند که چه کار کنیم؟ صراط با «س» بنویسیم کما اینکه همه عرب می‌گویند؟ای با «ص» بنویسیم که قرائت «ص» هم در آن بیاید. خیلی جالب است. هر دوی آنها را هم از حضرت شنیده بودند. گفتند قرائت «س» که از حضرت آمده بحفظه العرب بالسنتهم. آنها «س» می‌خواندند. کما اینکه در تفاسیر آمده که مفصل در جماعت پشت امام صادق بودند که سمعته یقول «اهدنا السراط المستقیم». مکرر می‌گوید. می‌گوید حضرت با «س» می‌خواندند. ای حتی می‌گوید «ال» هم ندانست؛ «اهدنا سراط مستقیم». آن هم جای خودش. پس «بحفظه العرب بالسنتهم ب«س». ان‌سخین گفتند که اگر ما «س» بنویسیم قرائت «ص» نسی منسی می‌شود. پس «ص» می‌نویسیم که حافظ قرائت حضرت باشد و «س» که خودش پشتوانه مردمی دارد، خود مردم حافظ قرائت «س» هستند. اینها را النشر و سائر کتابها به تفصیل توضیح داده‌اند. یک چیزهای ظریفی است. وقتی ذهن آدم از اینها دور است تا به آنها برخورد می‌کند بلخند به لبش می‌آید. یعنی یک چیزهایی است که اصلاً با مانوسات او جور نیست. اما بعد از اینکه مدتی می‌گذرد و عقبه کار را می‌بیند، می فهمد چه خبر است.

کتاب إعجاز القراءات القرآنیة صبری الاشوح که به گمانم مصری است؛ در اینترنت هست. به نظرم من اولین بار در سایت حرم مطهر نجف اشرف دیدم. آن جا گذاشته بودند. اول می‌گوید من در مصر در یک مجلسی نشسته بودم و یک قاری شروع به خواندن کرد. یک دفعه دیدم قرآن کتاب خدا را تغییر داد؛ حرف کتاب الله، می‌گوید در مجلس داد و فریاد بلند شد. بعداً جمعیت به او حمله ور شدند که او را بزنند. می‌گوید وقتی قاری فهمید که اینها حالیشان نیست، فرار کرد. خودش می‌گوید که قاری فرار کرد و من هم خیلی ناراحت بودم. گفتم چه زمانی شده که دیگر در کتاب خدا دست می‌برند. بعد می‌گوید کمکم آشنا شدم و دیدم قرائات چه دم و دستگاهی است! حالا کتاب نوشته به نام اعجاز القرائات القرآنیه.

شاگرد: با این بیانی که دارید یعنی خداوند می خواسته یک معنایی را در واژه «سراط» اشراب کند؟ مثلاً یک صراط خاصی است؟

استاد: بله، من در فدکیه در باب رسم المصحف مطالبی را گذاشته‌ام. اصل مقاله آن هم در سایت ملتقی اهل التفسیر است. آن جا یک موضع دارد که همین چهاراتایی است که من گفتم. خیلی زیبا! وقتی آدم می‌بیند، می‌بیند که درست هم در می‌آید. شبیه همان هم بحث ما که مخالف اشتقاق کبیر بود. من هم چیزهایی که در مباحثه به ذهنم می آمد را می‌زدم. گاهی به قدری برای ایشان جذاب بود که می‌گفت اینها بافتنی است اما بافتنی قشنگی است. به هم وصل می‌شود. الصال ًمگر می‌شود شما اشتقاق کبیر را بشورید و کنار بگذارید؟! الصال ًممکن نیست. بله، یک جاهایی آدم سرگردان می‌شود. این آقا در این موضع، همین چهارتا را خیلی زیبا بیان می‌کند که چرا با اینکه «بسط» و «مسیطر» با «س» و جاهای دیگر با «س» است اما در این چهار آیه با «ص» آمده؟ از نظر معنایی توضیح می‌دهد. بعد می‌گوید رسم المصحف حتی از حیث معنا –غیر از قرائات- چقدر حکمت های عظیمه دارد. حالا اینکه «لا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لا تَنْقَضِي غَرَائِبُهُ[1]».

---

[1] نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: ۶۱

بازبینی #2
ایجاد شده 20 مارس 2024 15:36:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مه 2024 14:28:51 توسط ... .